



اطلاعات

INFORMATION SCIENCE

چکیده

شکاف دیجیتالی اختلاف سطح در دستیابی به امکانات سخت افزاری و تجهیزات نرم افزاری در بهره‌وری از دانش و معرفت روزآمد در سطح ملی و بین‌المللی است. در این چارچوب، مسئله دسترسی به لوازم ارتباطی و سنجش معیارهای آن، از مسائلی بوده که دیدگاه جامعه‌شناسان را در عدالت اجتماعی حوزه اطلاعات به خود معطوف داشته، و راه‌های متنوعی در سنجش معیارهای دسترسی پذیری به اطلاعات مورد توجه قرار گرفته است.

در مقاله حاضر، به عوامل و متغیرهای شکاف دیجیتالی توجه شده که جهات متنوع آن مبتنی بر جمعیت روستایی، بیسواد پایه، و گستردگی زبان‌های قومی در کشورهای در حال توسعه ارزیابی گردیده، لیکن فواید کلی رفع شکاف دیجیتالی را مبتنی بر جهانی شدن اقتصاد و نیاز به اطلاعات در سطح همگانی تشخیص می‌دهد. در نهایت، راه مقابله با شکاف دیجیتالی را توجه به آموزش و فرهنگ‌سازی در سطح ملی و کوشش‌های مجامع بین‌المللی می‌داند.

کلیدواژه‌ها: شکاف دیجیتالی، جامعه اطلاعاتی، توسعه فن آوری، ارتباطات، اطلاعات.

شکاف دیجیتالی در جامعه جهانی

دکتر احمد شعبانی

شکاف دیجیتال در جامعه جهانی

دکتر احمد شعبانی^۱

مقدمه

توسعه ارتباطات و فن آوری و تأثیر آن بر مکانیسم زندگی علمی و اجتماعی، دگرگونی‌های ساختاری چندی را بر جوامع نیمه‌صنعتی و صنعتی در عصر حاضر به همراه آورد که به نحو طبیعی موجب تغییرات متنوعی در همبستگی و انسجام زیستی و اشتغال انسان‌ها شد. هر چند نظریات مختلفی از تقسیم کار اجتماعی در نخستین سال‌های قرن بیستم فرایند طبیعی زندگی سنتی و صنعتی را در زندگی انسان معاصر مطرح نمود، لیکن توسعه تکنولوژی و فن آوری در ممالک گوناگون جنبه‌های کار و اشتغال را به نحو گسترده‌ای با فکر و روح بشر به روند نوین و جدیدی سوق داد، به قسمی که به مرور در فعالیت‌های بشری چونان ابزارها، آموزش، و شیوه‌های بهره‌جویی از فکر و اندیشه گسیختگی‌هایی حاصل شد. چنانچه در عصر کشاورزی و نیمه صنعتی به مرور، آموزش و بهره‌وری از آن موجب انتقال تجهیزات یدی و مکانیکی گردید و محیط خانوادگی کار به فن آوری ماشینی و جنبه‌های مدیریتی و سازمانی تسهیل گردید. بر این قرار در مباحث بنیادین معاصر چارچوب جدیدی از منظر مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پدید آمد که مفاهیم فرهنگی را در روابط و مناسبات تحت پوشش قرار داد.

۱. استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه اصفهان

طرح جدید از زندگی اجتماعی موجب تنوع و تناقض‌های چندی در زندگی ملی و بین‌المللی گردید که از دیدگاه بسیاری اندیشمندان شرایط نوینی در تداوم تاریخ سرمایه‌داری با توجه به دیدگاه‌های اجتماعی از قرن نوزدهم میلادی و زایش نظریه دیالکتیک اجتماعی است. از مفسران این اندیشه الن میک سینزود^۱ تحلیل فکری مزبور را بر این اساس بیان داشته: "به هر نحو سرمایه‌داری در هر جا و در هر زمان که خرید و فروش گسترش می‌یابد و پیشرفت فن‌آوری به نقطه مناسبی می‌رسد، کم و بیش به طور طبیعی ظهور می‌کند" (میک سینزود، ۱۳۷۹، ص ۵۷). به این ترتیب، به نظر می‌آید که زمینه گسستگی اجتماعی و طبقاتی در منظر پیشین اندیشه‌های اجتماعی رهیافت نوین خود را در جامعه اطلاعاتی از طریق سرمایه‌گذاری بر تجهیزات احیاء خواهد کرد. در مقابل نفی هر گونه طبیعت سرمایه‌داری، جنبه‌هایی از پیامدهای دگرگون‌سازی واقع است که جنبه دگرگونی تغییر کالا را از سرمایه و مادیت به دانش - معرفتی اطلاق می‌کند (رجایی، ۱۳۷۹، ص ۶۰). به هر نحو، و به هر شکل این گمان که توسعه فن‌آوری در جوامع میزان سود خالص را افزایش داده و تصاحب ابزار را در شکل استیلا بر چرخه اطلاعاتی انعکاس داده به نحوی در شکل شکاف دیجیتالی و اطلاعاتی ظاهر می‌شود. در شکل انتقادی از جامعه مزبور که به هر جهت با حوزه مسائل اطلاعاتی آمیخته نظریات ژان بودریار، جامعه‌شناس معاصر فرانسوی نهفته که معتقد است: "یک جهان خیالی در عالم موهوم واقعیت مجازی، عالمی که درون آن همه ما سیاهی لشکریم. تفاوت آن است که هنگامی که ما لباس‌های دیجیتالی مان را می‌پوشیم... وارد دنیای موهوم زنده می‌شویم" (بودریار، ۱۳۸۲، ص ۸). به هر شکل که از این دو منظر به جهان فعلی نگاه شود، عیان است که جهان نوینی در حال شکل‌گیری است، دنیایی که ساختارهای نو در آموزش، مدیریت، روابط انسانی و رهیافت‌های مدنی به همراه دارد. به واقع فروپاشی نظام دو قطبی پیشین و احیاء جامعه جدید اطلاعاتی عناصر نوینی را در حیات فکری پدید آورده که از پاره‌های آن اختلاف سطح اطلاعاتی است. این جهان نوین در چارچوب آرمان خویش به چه شکل با شکاف و اختلاف اطلاعاتی رویاروی می‌شود.

مفهوم شکاف دیجیتالی

نخستین بار واژه شکاف دیجیتالی توسط لاری ایروینگ^۲ از کارمندان ارشد

1. Ellen Meiksinswood
2. Larry Irving

دولت ایالات متحده امریکا بهره‌جویی شد، مقصود وی از این واژه اشاره‌ای بود میان افرادی که بهره‌مند از سخت‌افزار و نرم‌افزار تکنولوژی در خانواده‌ها بوده و انبوهی از اشخاص که توان خریداری این ابزار را نداشتند، پس "وجود فاصله برای دسترسی به خدمات اطلاعاتی" را از این مفهوم مستفاد نمود (دراگولنسکو، ۲۰۰۲، ص ۱۳۹).

بعد از آن، از شکاف دیجیتالی تعاریف و توصیف‌های چندی صورت یافت که ضمن مشابهت کلی این تعاریف با یکدیگر، نقطه نظرهای متنوعی را نشان می‌دهد. در مقاله‌ای، مؤسسه ورلدلینکس^۱ (۲۰۰۲) اصطلاح شکاف دیجیتالی را در مقابل Digital Divide آورده و آن را ناشی از استحاله یک شبکه دولتی و نفوذ آن در سیستم ارتباط جهانی، تبادل اطلاعات، و بازارهای تجاری دانسته است. بر این اساس، تعریف مختصری از شکاف دیجیتالی ارائه کرده: "بیان نابرابری‌های بین‌المللی در زمینه دسترسی به فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات" (ورلدلینکس، ۲۰۰۳). در تعریف دیگری به جنبه‌های ملی و اقتصادی توجه شده و آن را "وجود نابرابری در دسترسی و استفاده از فن‌آوری‌های کشورهای توسعه یافته و عقب مانده" دانسته است (شکاف دیجیتالی، ۲۰۰۳). این مفهوم ضمن تأکید بر زمینه‌های نابرابری سخت‌افزاری به تبیین شکاف دیجیتالی در عرصه جهانی اشاره دارد در حالی که در تأکید بر چارچوب خاص، آیا استفاده منطقی از نابرابری تلقی شده یا به سطح آموزش ارتباط دارد؟ در همین مقاله آمده است "شکاف دیجیتال مورد بحث در جهان امروز، مظهر نابرابری دیرین امکانات ارتباطی" در جهان است. چنانچه ملاحظه می‌شود در این تعریف نیز به جنبه استفاده اشاره گردیده است. بنابراین، با توجه به تعاریف بالا می‌توان گفت شکاف دیجیتالی اختلاف سطح در دستیابی به امکانات سخت‌افزاری و تجهیزات نرم‌افزاری در بهره‌وری از دانش و معرفت روزآمد در سطح ملی و بین‌المللی است. دلایل وجودی شکاف دیجیتالی مبتنی بر پاره‌ای نابرابری در مجموعه‌ای از سیستم‌هایی است که تأمین اطلاعاتی را در چرخه‌ای نابرابر برای ملل، طبقات، حرفه و اصناف قلمداد کرده و شکافی ناهمگون را فراهم آورده است.

طرح مسئله

مسئله اساسی در شکاف دیجیتالی اهمیتی است که جریان آزاد اندیشه، انسان، کالا،

خدمات و در نهایت سرمایه در چرخه زندگی انسانی پدید می‌آورد. در طرح کلی رابرت مک چسنی^۱ (۱۳۷۹) تذکر می‌دهد که با ظهور سیستم رسانه‌های جهانی و بازار جهانی رسانه‌ها و ارتباطات، منطقاً می‌توان انتظار داشت که سیاست‌گذاری ارتباطات نیز وارد سیاست‌گذاری جهانی شود. بدیهی است طرح نوین ارتباطات جهانی نوعی عدم توازن و تعادل را برای کشورهای غنی و فقیر و طبقات دارا و ندار به همراه دارد. طرح و ضرورت بررسی شکاف دیجیتال با توجه به این پیش‌نگری توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ژوئن ۲۰۰۲ میلادی تبیین شده که "احتمالاً اقتصادها و ملت‌های بسیاری از کشورهای در حال توسعه را باز هم بیشتر در حاشیه قرار خواهد داد" (فارین پالیسی، ۲۰۰۳). از دیدگاهی دیگر ضرورت طرح مسئله از منظر آمارهای کمی نیز مورد استناد صاحب‌نظران است. به‌طور مثال، مسئله دسترسی به لوازم ارتباطی و سنجش معیارهای آن، از مسائلی بوده که دیدگاه جامعه‌شناسان را در عدالت اجتماعی حوزه اطلاعاتی به خود معطوف داشته است. از اوایل دهه ۱۹۶۰ از سوی یونسکو معیارهایی درباره استانداردهای توسعه یافتگی و سایل ارتباط جمعی ترسیم یافت که عبارت بود از حداقل ۱۰ روزنامه روزانه، ۵ گیرنده رادیو، ۲ صندلی سینما، و ۲ گیرنده تلویزیون برای ۱۰۰ نفر در جامعه. در دهه ۱۹۸۰ به حداقل ضریب نفوذ تلفن برای هر ۱۰۰ نفر جمعیت نیز توجه خاصی معطوف شد؛ که با در نظر گرفتن آن کشورهای آسیایی و آفریقایی در دهه مزبور، حتی از داشتن یک دستگاه تلفن برای هر ۱۰۰ نفر برخوردار نبودند و عملاً از ممالک محروم و فقیر در حوزه ارتباطی محسوب می‌شدند (شکاف دیجیتال، ۲۰۰۳). نکته قابل توجه در معیارهای فوق انطباق عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه با ممالک محروم در حوزه ارتباطی در واپسین سال‌های قرن بیستم است.

برخی اندیشمندان در طرح مسئله عقب‌ماندگی و فن‌آوری ارتباطات و مخابرات استانداردهای جدیدی را به نقل از جفری سکس پژوهشگر دانشگاه هاروارد^۲ بیان داشته‌اند و بر حسب تعداد حق امتیاز اختراعات به ازای مناطق، تولید ناخالص داخلی، و سهم صادرات فن‌آوری پیشرفته به استنتاج جالب توجهی دست یافته‌اند. بر این اساس، کشورها را به سه دسته در چارچوب فن‌آوری نوین تقسیم کرده که سهم ممالک در حال توسعه در این جدول کمی بالنسبه ناچیز است (خوارزمی، ۲۰۰۳).

در مقابل این رویکردها، برخی پژوهش‌ها جنبه‌های مختلف دسترسی یا عدم دسترسی پذیری را از نظر ساختاری ترسیم می‌کنند. به‌طور مثال، از طریق رشد

1. Robert McChesney
2. Uversity of Harvard

صعودی کاربران اینترنت، فعالیت‌های سازمانی در ساخت صفحات الکترونیکی، و ضریب تأثیر پیام‌های اینترنتی جنبه‌های دسترسی و فقر اطلاعاتی را مورد مطالعه قرار می‌دهند (ضیایی پرور، ۲۰۰۳).

از انجام پژوهش‌ها در سطح بین‌المللی و ملی آشکار است که تا چه حد دسترس‌پذیری و شکاف موجود در بهره‌جویی از اطلاعات برای جوامع، سازمان‌ها، و پژوهشگران حائز اهمیت بوده، به نحوی که نهادهای تصمیم‌گیرنده سعی در دستیابی به داده‌های دقیقی در این حوزه دارند.

در آماری گزیده، دراگولنسکو^۱ (۲۰۰۲) وضعیت دنیای امروز را به قرار ذیل ترسیم کرده است:

● در بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۸، مجموع دسترس‌پذیری به اینترنت از ۱۰۰/۰۰۰ نفر به ۴۵ میلیون نفر افزایش یافت.

● شمار دسترسی عامه به اینترنت از سه میلیون نفر در ۱۹۹۴ (بیشتر سکنة ایالات متحده آمریکا) به ۳۰۰ میلیون نفر در اوایل سال ۲۰۰۰ افزایش یافت. از این تعداد ۴۵ درصد در آمریکا و کانادا، ۲۷ درصد در اروپا، ۲۳ درصد در آسیا و (۵ درصد در ژاپن)، ۴ درصد در امریکای مرکزی و جنوبی، و کمتر از ۱ درصد در افریقا ساکن بودند.

● یک دستگاه رایانه در ایالات متحده آمریکا برای دو نفر مورد استفاده بوده، در حالی که در افریقا ۶۰۰۰ نفر از یک دستگاه کامپیوتر بهره می‌برند.

● خریداری یک رایانه در ایالات متحده آمریکا معادل ۱۰۰۰ دلار است که پس‌انداز یک ماه حقوق یک شهروند آمریکایی (در سطح متوسط) است در حالی که این مبلغ برای یک سکنة بنگلادشی تمامی دستمزد وی در طول ۴۸ ماه است.

● ۹۰ درصد منابع اطلاعاتی در ممالک کشورهای پیشرفته غربی استقرار دارد.

● میزان بهره‌جویی از زبان‌های مختلف مردم در اینترنت در دسامبر ۲۰۰۰ به قرار ذیل است: ۴۷ درصد انگلیسی؛ ۹/۶ درصد ژاپنی؛ ۷/۲ درصد چینی؛ ۵/۵ درصد آلمانی؛ ۵/۲ درصد اسپانیولی، ۴/۲ درصد کره‌ای؛ ۳/۲ درصد فرانسوی؛ ۳/۱ درصد ایتالیایی؛ ۲/۶ درصد پرتغالی؛ ۲/۳ درصد روسی؛ دیگر زبان‌ها ۸ درصد.

● ثبت نام دامنه دسترسی به اینترنت از ۶۲۷۰۰۰ مورد در ۱۹۹۶ به حدود ۱۸ میلیون مورد در سال ۲۰۰۰ افزایش یافت (اگولنسکو، ۲۰۰۲، ص ۱۴۰-۱۴۱).

جدول ۱ به وضوح میزان کمی میزبان اینترنت را به ازای ۱۰۰۰ نفر ساکن در مناطق

مختلف جهان و اختلاف سطح مزبور در این زمینه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. بررسی مقایسه‌ای میزان اینترنت به ازای ۱۰۰۰ نفر ساکن در مناطق مختلف جهان

منطقه	اکتبر ۱۹۹۷	اکتبر ۱۹۹۸	اکتبر ۱۹۹۹	اکتبر ۲۰۰۰
امریکای شمالی	۴۶/۲۸	۶۹/۷۴	۱۱۴/۴۱	۱۶۸/۶۸
اقیانوسیه	۲۶/۸۱	۳۴/۷۶	۴۳/۸۴	۵۶/۱۶
افریقای مرکزی و جنوبی	۰/۴۸	۰/۹۱	۱/۶۷	۲/۶۳
اروپا	۶/۱۳	۹/۴۵	۱۳/۴۱	۲۰/۲۲
آسیا	۰/۶۳	۰/۸۷	۱/۲۸	۱/۹۶
افریقا	۰/۱۷	۰/۲۱	۰/۲۸	۰/۳۱

مأخذ: www.netsizer.com به نقل از: (هوسی، ۱۳۸۳، ص ۵۱).

زمینه‌های شکاف دیجیتال

سواى کنجکاوى در بررسى و ارزیابى از شکاف دیجیتالى از نظر داده‌هاى کمى در عرصه بین‌المللى، دلایل زیر بنایی از موجودیت این شکاف در کشورهای در حال توسعه و فقر اطلاعاتی جاری در این ممالک همواره مورد توجه بوده است. در مفهومی آشکار، می‌توان در چارچوب شکاف مزبور بر این حیطة توجه کرد که چه عواملی به جز بنیادهای سخت‌افزاری موجبات تنش در شکاف موجود است.

به‌طور مثال، به نحو آشکار در جامعه بحرین با جمعیتی کمتر از نیم میلیون نفر که حدود ۱۱۵ هزار نفر دانش‌آموز را در بر دارد، رویه اصلی در حوزه توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، جذب شرکت‌های بزرگ خارجی و چند ملیتی برای سرمایه‌گذاری و ایفای نقش‌های اصلی تلقی شده است (رسول‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۱۶). در حالی که در منظر مقابل از وضعیت مزبور، حدود ۱/۵ میلیارد نفر از مردم جهان با صرف روزانه یک دلار زندگی می‌کنند و در صورت دسترسی به وسایل ارتباطی مانند رایانه باید سالیانه حداقل حدود ۱۰ دلار صرف آن نمایند. آنچه از مقدمات بحث آشکار می‌شود شرایط بسیار سختی است که برای کشورهای کم درآمد و فقیر در محوره‌های بازنگری توسعه ارتباطات و فن‌آوری مشاهده می‌شود. از آن جمله مجله فارین پالیسی^۱

به تأثیر ساختار وضع موجود این ممالک با توجه به فقر اقتصادی اشاره داشته و آن را مبتنی بر سه فرض پنداشته است، این موارد عبارت است از:

- الف. جمعیت روستایی و مشکلات فراهم‌آوری خدمات شبکه‌ای برق و تلفن
- ب. بیسوادی پایه در ممالک فقیر و کم درآمد و مشکلات جاری آن
- ج. گستردگی زبان‌های قومی و مشکلات ارتباطی در ایجاد صفحات الکترونیکی (فارین پالیسی، ۲۰۰۳)

در همین روند جان کارگیو^۲ به چند متغیر عمده در شکاف دیجیتالی کشورهای درحال توسعه اشاره می‌کند، وی ضمن آنکه به رشد جمعیت و بیسوادی در این ممالک اذعان دارد این متغیرها را به قرار ذیل برشمرده است:

۱. فقر گسترده اقتصادی و فقر فن‌آوری ارتباطات
۲. فقدان آزادی اطلاعات و رنج توده‌های مردم از این وضعیت
۳. مشکلات آزادی مطبوعات و کارکنان جامعه مطبوعاتی
۴. فقدان آزادی عمل در رسانه‌های الکترونیکی و کنترل آنها توسط دولت‌های متبوع
۵. مشکل بهره‌جویی از زبان‌های بین‌المللی در میان اتباع مردم این ممالک
۶. فقر اطلاعاتی و مشکلات آموزشی منابع انسانی در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع رسانی (کارگیو، ۲۰۰۲، ص ۹۹ - ۱۰۲).

کارگیو معتقد است که می‌توان راه‌هایی را به منظور تسریع رفع شکاف دیجیتالی با توجه به برنامه ریزی ملی برای این ممالک در نظر گرفت.

در مقابل، برخی دیگر از اندیشمندان ضمن توجه به باورهای مذکور سعی دارند که توسعه انقلاب دیجیتال را در چارچوب عرصه عمومی مورد دقت قرار دهند؛ و آن را ایجاد فرصت برای توسعه در حوزه اقتصاد مشتمل بر سه بخش صنعت، کشاورزی، و خدمات برآورد کرد، و مهم‌ترین فرصت انقلاب دیجیتال را مواجهه با الزام مهندسی و فرایندها و الگوهای سازمان‌دهی و پارادیم‌های ذهنی برشمرده‌اند. پرسش عمده از مبنای نظری این طرح خوش‌بینانه برای کشورهای در حال توسعه مبتنی بر این چارچوب است که تا چه حد از نظر روانی دولتمردان این ممالک تن به چنین خواسته‌هایی داده، و تا چه میزان عزم ملی شرایط داخلی را برای توسعه فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات خواهد پذیرفت. از دیدگاهی دیگر مانند جنبه‌های داخلی نیز باید به سرمایه‌گذاری ملی برای رفع شکاف اندیشید. اینکه آیا بهای توسعه ارتباطی در سطح

1. Foreign policy
2. Kargbo

عالی آن مانند رایانه موجب اغماض بخشی از طبقات کم درآمد نخواهد شد؟ در بحث جامعه‌شناختی پیترگلدینگ^۱ از حضور ممالک مختلف در صادرات و سایل ارتباطی و طبیعتاً سلطه ممالک قدرتمند بر فقیر این مطلب مطرح شده که در اواسط دهه ۱۹۹۰ دو ویژگی شرکت‌های بزرگ در بخش‌های ارتباطات دوربرد و اطلاعات جلوه‌های چشمگیر دارد. نخست آنکه موج عظیمی از ادغام‌ها، الحاق‌ها و یا تشکیل شرکت‌ها رخ می‌دهد؛ دوم آنکه فعالیت‌ها گوناگونی و تنوع خواهند یافت. هر دو متغیر جنبه "شکاف" را از نظر اقتصادی و تجهیزاتی برای ممالک غنی و فقیر تشدید می‌کند (گلدینک، ۱۳۷۹، ص ۱۵). بر این مبنا، مباحثه و دقت در زمینه شکاف دیجیتال و ویژگی‌های متنوعی را برای رفع آن در میان دولتمردان در بر دارد. مثلاً برخی از ممالک در حال توسعه که برخوردار از منابع معدنی کافی و سود سرشار آن هستند سعی در همگونی با ممالک مرفعی داشته به نحوی که سواى مشکلات و مسائل فرهنگی خود برنامه‌های سنگینی را، همچون انتخابات الکترونیکی، به معرض اجزاء گذاشته‌اند؛ در حالی که عیان نیست تا چه حد به آراء و باورهای نهادهای دموکراتیک توجه دارند. در مقابل، برابری برای دسترسی جهانی به اطلاعات در برخی کشورهای فقیر مفهومی زیربنایی و ساختاری داشته است؛ از جمله اینکه اینترنت در هندوستان برای ثبت اسناد و در کنیا برای فروش کالا در سطح گسترده استفاده می‌شود.

ممالک توسعه یافته گام‌های مطلوبی را به منظور رفع موانع فنی مورد اشاره برداشته‌اند و یکی از مطالبی که همواره مورد توجه آنان قرار دارد، تسهیل استفاده از اطلاعات و ترغیب به بهره‌جویی از آن است. در مقاله‌ای که در ۱۹۹۵، به دستور ملکه الیزابت دوم و با همکاری وزارتخانه‌های مختلفی از جمله وزارت خزانه داری و وزارت تجارت و صنعت بریتانیا، منتشر شد آمده است:

"دسترسی به اطلاعات و تحلیل و بهره‌برداری از آن برای رقابتی بودن در کل صنعت و تجارت، امری حیاتی خواهد بود. خدمات نوین تحویل اطلاعات و کارهای زیرساختی عمده جدید موجب رشد سخت‌افزار و نرم‌افزار و خدمات خواهد شد. کشورهای دارای بهترین زیرساخت برتری خواهند داشت (هیل، ۱۳۸۱، ص ۳۲۲).

در برابر این دستورالعمل کشورهای عضو کمیسیون اتحادیه اروپا به "توسعه بازار اروپایی در زمینه خدمات الکترونیک، مخابرات و اطلاعات" روی آوردند. از جمله

1. Peter Golding

طرح‌های مورد توجه این ممالک عبارت است از: نظام اطلاع‌رسانی ماریتیم^۱، نظام پیوسته دولت^۲، اطلاعات جهانی مدیریت اضطراری^۳، و خدمات جهانی کتابخانه‌ای^۴ (کتاب‌شناسی جهانی) (هیل، ۱۳۸۱، ص ۳۲۳).

فواید کلی رفع شکاف دیجیتالی

یکی از مباحث موضوعی و قابل اهمیت در خصوص نگرش به شکاف دیجیتالی، جهانی شدن اقتصاد است که عقاید مختلفی را از نظر دولتمردان و توده‌های مردمی در کشورهای در حال توسعه برانگیخته است. در زمینه جهانی شدن عالم اقتصاد در هزاره جدید نظریات و دلایل ویژه‌ای فراهم آمده که می‌تواند بر مبنای ساختاری و صنعتی این ممالک مؤثر باشد.

در بیانیه ایران ۱۴۲۷، یکی از دست اندرکاران عالیرتبه پژوهشی کشور به نقل از هلموت اشمیت صدراعظم پیشین آلمان که حامل نظریات و گرایش‌های چپ در کشور خویش بود، چهار عامل را در جهان‌گرایی اقتصاد حائز اهمیت می‌داند:

۱. شتاب عظیم پیشرفت‌های فن‌آوری، ناشی از توسعه فن‌آوری رایانه و مخابرات

نوری

۲. لیبرال شدن بازرگانی و جریان سرمایه و پول در جهان، به معنای نفی موانع

گردش سرمایه

۳. رشد جمعیت، به منزله مشاهده مظاهر توسعه مانند آموزش، بهداشت و رفاه

۴. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تجزیه آن به کشورهای متعدد، و مشارکت آنها

در تجارب بین‌المللی (منصوری، ۱۳۷۸، ص ۱۷).

به این ترتیب، بحث جهانی شدن هر چند از منظر اقتصاد قابلیت طرح در روند مالی و اقتصادی دارد لیکن طبیعی است که جریان اندیشه، فکر، خدمات، آموزش و بهداشت را در برگیرد. بر این مبنا، ادواردو آنی نات می‌گوید: "جهانی شدن به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن جریان آزاد اندیشه، انسان، کالا، خدمات و سرمایه در دنیا میسر شده و موجبات رفاه و سعادت بیشتر شرکت‌کنندگان فراهم می‌شود" (آنی نات، ۲۰۰۳). در بحث از جهانی شدن هم‌پیوندی جامعه جهانی، موجب انتشار سهل‌تر اطلاعات و افزایش حق انتخاب اطلاعات را برای آحاد جامعه فراهم می‌آورد. طبعاً بحث جهانی شدن از منظر دولتمردان نگرشی در توسعه اقتصادی، فنی، و صنعتی دارد که به قسمی با

1. Maritime Information Systems
2. Government online
3. Global Emergency Management information
4. World Wide Library Services

چالش شکاف دیجیتالی مقابله خواهد کرد. در برابر این شیوه از تفکر، که جهانی شدن شکاف را به طور کلی و شکاف دیجیتالی را به نحو اخص کاهش می دهد، نکات ظریفی از سال ۲۰۰۱ مبتنی بر مضرات جهانی شدن فراهم آمده؛ اینکه مدیریت بهینه فرایند جهانی شدن رو به سوی ممالک ثروتمند و مترقی دارد. در واقع، هم پیوندی فرهنگ‌ها، اقتصاد ممالک و تجارت آزاد به زیان کشورهای فقیر عمل می کند. آنچه از دیدگاه نظری در ارتباط با رفع شکاف دیجیتالی در ممالک در حال توسعه مورد دقت است اینکه جهانی شدن و شرکت ممالک در مباحث آن نیازمند تسهیل حوزه‌های فن آوری و مخابرات در سطح ملی است.

رویارویی با شکاف دیجیتالی

بی تردید مبحث اصلی در نگرش به شکاف دیجیتالی راه‌های مقدماتی برای فرهنگ سازی و پر کردن این شکاف است. دیدگاه‌های متنوع و مقدماتی در این خصوص مبتنی بر بحث ارتباط با شبکه جهانی اینترنت است که در اغلب بخش‌های ممالک فقیر کاری بسیار دشوار محسوب می شود.

یکی از دیدگاه‌های کاربردی در خصوص پر کردن شکاف دیجیتالی به مبحث آموزش ارتباط دارد. یکی از مدیران مؤسسه ورلدلینکس اهداف اساسی مؤسسه را در رویارویی به منظور پر کردن شکاف دیجیتالی به قرار ذیل بر شمرده است: کمک به آموزش معلمان و دانش آموزان کشورهای در حال توسعه برای استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات به منظور بهبود روش‌های آموزش و یادگیری. برای دستیابی به هدف مذکور حل برخی مسائل به قرار ذیل مورد نظر واقع شده است:

- مجهز کردن مدارس به اینترنت

- تهیه و تدارک رایانه و نگهداری از آن

- آموزش مربیان و تهیه مواد آموزش مناسب (ورلدلینکس، ۲۰۰۳)

گام‌های اولیه به منظور پر کردن شکاف دیجیتالی در سطح ملی و بین‌المللی مبتنی بر خرید و نصب رایانه و اتصال به اینترنت است. در این خصوص چند طرح در حوزه خرید تجهیزات سخت‌افزاری در زیمبابوه، هندوستان، نیجریه، و آنگولا، و چندین پروژه آموزش اینترنتی برای معلمان محلی در امریکا، اسپانیا، ژاپن راه‌اندازی شده است. برخی دیدگاه‌ها در خصوص راه‌های آموزشی برای رفع شکاف دیجیتالی به جهت

فقدان امکانات و رنج‌های مالی در کشورهای جهان سوم طرح ریزی شده و حمایت می‌شود. به‌طور مثال یکی از متخصصان ارتباطات به پروژه "حفره‌ای در دیوار" به منظور عمومیت بخشیدن به اینترنت در هندوستان اشاره دارد. بر اساس این طرح، مونیتورهای رایانه در چند خیابان دهلی در دیوار کار گذاشته شد و از کامپیوتر، ماوس (موشواره) و کلیدهای کیبورد در اختیار بچه‌های خیابانی قرار گرفت. پس از اندی آنها کار با برنامه‌های نقاشی در سیستم عامل ویسندوز و گزینه‌های مختلف را فراگرفتند (شکرخواه، ۲۰۰۳).

در برابر این گونه برنامه‌های عامیانه و خودجوش اینترنتی، در سطح بین‌المللی تحرکات وسیعی در مقابل شکاف دیجیتالی ظاهر شده، از جمله:

۱. بررسی و ترمیم شکاف دیجیتالی توسط "گروه مطالعاتی ملل متحد درباره فن‌آوری‌های اطلاعات و ارتباطات" از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد.

۲. امکان‌سنجی و اجرای "برنامه فرصت دیجیتال" در چارچوب "برنامه ملل متحد برای توسعه".

۳. ایجاد "بخش جامعه اطلاعاتی" به منظور اجرای برنامه "اطلاعات برای همه" توسط سازمان یونسکو از آغاز سال ۲۰۰۱ میلادی (معمدنژاد، ۲۰۰۳).

نتیجه‌گیری

شکاف دیجیتالی به منزله واپس ماندگی بخشی از دولت‌ها و طبقات اجتماعی در سطح بین‌المللی و ملی در دسترسی و بهره‌جویی به اطلاعات تلقی می‌شود. این شکاف برخوردار از پیش‌زمینه‌های ساختار اجتماعی و اقتصادی در بین جوامع است، لذا رفع آن نیازمند تحول زیربنایی در حوزه‌های مختلف فنی، صنعتی، و علمی است. تحولات عمیق بین‌المللی از تیمه دوم قرن بیستم شکاف استعماری کهن را به پدیده‌های نوین استیلا و سلطه سوق داد، و طبیعتاً توسعه حوزه‌های دانش معرفتی مقدمات شکاف دیجیتالی را در عصر توسعه رایانه فراهم آورد. اقدامات متنوع آموزشی و زمینه‌های نوین بین‌المللی در رفع شکاف هر چند در چارچوب توسعه فن‌آوری از ارتباطات و اطلاعات جایگاه قابل توجهی دارد، لیکن به نظر می‌آید پدیده شکاف همبستگی مستقیم با وضعیت موجود اقتصادی دول و طبقات اجتماعی مردم دارد.

مآخذ

- آنی نات، ادواردو (اگوست ۲۰۰۳). "رویاریوی با چالش‌های جهانی شدن." ترجمه ف.م. هاشمی. سایت آینده‌نگر (www.Ayandehnegar.org)
- بودریار، ژان (۱۳۸۲). "در جهان مجازی ما همه سیاهی لشکریم" همشهری. (۱۳ مرداد): ۸.
- خوارزمی، شهیندخت (اگوست ۲۰۰۳). "ایران و انقلاب. و دیجیتال". سایت آینده‌نگر
- رجایی، فرهنگ. (۱۳۷۹). پدیده جهانی شدن وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: آگاه.
- رسول‌زاده، نیما (۱۳۸۲). "دولت الکترونیکی در بحرین: اهداف، برنامه‌ها، چالش‌ها". عصر ارتباط (۲۰ تیر): ۱۶.
- "شکاف دیجیتالی" (اگوست ۲۰۰۳). سایت آینده‌نگر.
- شکرخواه، یونس (۲۰۰۳). "مصاحبه دکتر یونس شکرخواه در شکاف دیجیتالی". سایت آینده‌نگر
- ضیایی پرور، حمید (اگوست ۲۰۰۳). "آسیب‌شناسی نسل اینترنت". سایت آی تی ایران، پایگاه اطلاع‌رسانی تخصصی فن‌آوری اطلاعات (www.IIran.com)
- فارین پالیسی (اگوست ۲۰۰۳). "شکاف دیجیتالی". ترجمه حسن نورایی بیدخت. سایت آی تی ایران، پایگاه اطلاع‌رسانی تخصصی فن‌آوری اطلاعات.
- گلدینک، پیتر (۱۳۷۹). "شکاف جهانگیر: ناهم سازی و تضاد در زیر ساخت جهانی اطلاعات". در جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری: واقعیت و اسطوره. گزینش و ویرایش خسرو پارسا. تهران: آگاه: ۹۹-۱۲۲.
- معتمدنژاد، کاظم (اگوست ۲۰۰۳). "مصاحبه دکتر کاظم معتمد نژاد در شکاف دیجیتالی" سایت آینده‌نگر.
- مک چسنی، رابرت (۱۳۷۹). "مبارزه جهانی برای ارتباط دموکراتیک". در جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری: واقعیت و اسطوره. گزینش و ویرایش خسرو پارسا. تهران: آگاه: ۲۹-۵۱.
- منصوری، رضا. (۱۳۷۸). ایران ۱۴۲۷: عزم ملی برای توسعه علمی و فرهنگی. تهران: طرح نو.
- میک سینزود، الن (۱۳۷۹). "مدریته، پسا مدریته یا سرمایه‌داری". در جامعه انفورماتیک و سرمایه‌داری: واقعیت و اسطوره. گزینش و ویرایش خسرو پارسا. تهران: آگاه: ۵۳-۷۳.
- ورلدلینکس (اگوست ۲۰۰۳). "پرکردن شکاف دیجیتالی: چالش بزرگ قرن بیست و یکم". ترجمه محمود ستوده. سایت آی تی ایران، پایگاه اطلاع‌رسانی تخصصی فن‌آوری اطلاعات.

هوسی، نعمت الله. (۱۳۸۱). شکاف دیجیتالی و ابعاد آن. وب. ۵۵ (دی): ۵۰-۵۲.
هیل، مایکل. و (۱۳۸۱). تأثیر اطلاعات بر جامعه: بررسی ماهیت، ارزش و کاربرد اطلاعات. تهران:
چاپار.

Dragulanescu, Nicalae - George. (2002) "Social impact of the digital divide in a
Central - Eastern European Country". *The International information and
Library Review*, 34 (June): 139-151.

Howarth (2000): "The European divide. [online] Available: [www.iyoco.org/dd/](http://www.iyoco.org/dd/htm)
htm.

kargbo, John Adbul (2002). "Narrowing the information divide". *The
international Information and Library Review*, 34, pp. 97-105.

